



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

موضوع

شرح احوال و بررسی آثار دکتر شوقی ضیف

استاد راهنما

دکتر حسن مجیدی

استاد مشاور

دکتر عباس گنجعلی

نگارش

عباس ابراهیمی دلبری

مهر ۱۳۹۰ ه.ش



دائرة تربية المعلمين

جامعة تربية معلم بسبزواری

كلية الإلهیات و المعارف الإسلامية

رسالة مقدمة للحصول على درجة الماجستير في فرع اللغة العربية و آدابها

الموضوع

الدكتور شوقی ضیف؛ ترجمته و دراسة آثاره

الأستاذ المشرف

الدكتور حسن مجیدی

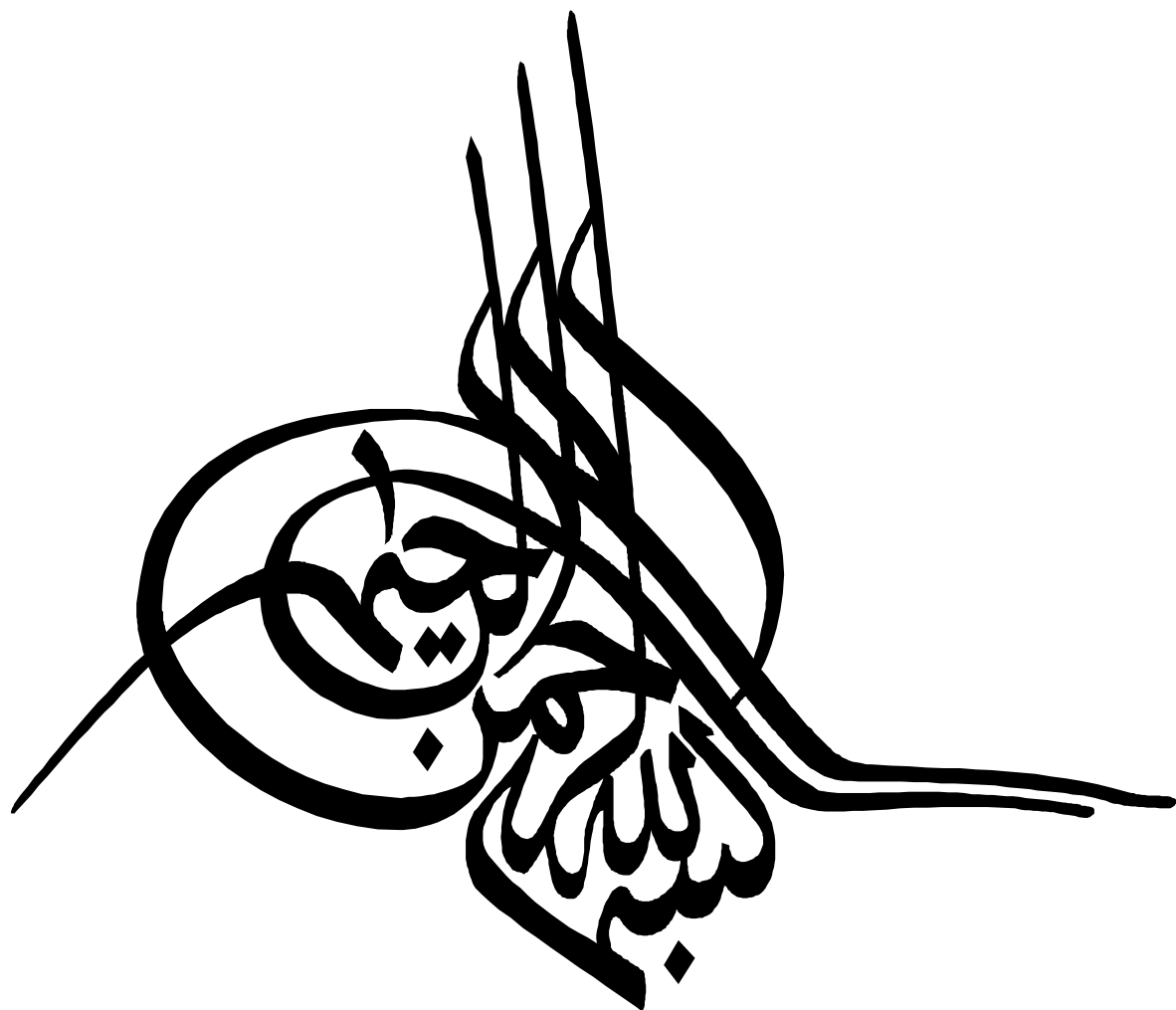
الأستاذ المساعد

الدكتور عباس گنجعلي

الإعداد

عباس ابراهيمی دلبري

ذی القعدة ١٤٣٢ هـ.ق





سوگند نامه دانش آموختگان دانشگاه تربیت معلم سبزوار

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

اینک که به خواست آفریدگار پاک ، کوشش خویش و بهره گیری از دانش استادان و سرمایه های مادی و معنوی این مرز و بوم، توشه ای از دانش و خرد گردآورده ام، در پیشگاه خداوند بزرگ سوگند یاد می کنم که در به کارگیری دانش خویش، همواره بر راه راست و درست گام بردارم. خداوند بزرگ، شما شاهدان، دانشجویان و دیگر حاضران را به عنوان داورانی امین گواه می گیرم که از همه دانش و توان خود برای گسترش مرزهای دانش بهره گیرم و از هیچ کوششی برای تبدیل جهان به جایی بهتر برای زیستن، دریغ نورزم. پیمان می بندم که همواره کرامت انسانی را در نظر داشته باشم و هموعان خود را در هر زمان و مکان تا سر حد امکان یاری دهم. سوگند می خورم که در به کارگیری دانش خویش به کاری که با راه و رسم انسانی، آیین پرهیزگاری، شرافت و اصول اخلاقی برخاسته از ادیان بزرگ الهی، به ویژه دین مبین اسلام، مبادت دارد دست نیازم. همچنین در سایه اصول جهان شمول انسانی و اسلامی، پیمان می بندم از هیچ کوششی برای آبادانی و سرافرازی میهن و هم میهنانم فروگذاری نکنم و خداوند بزرگ را به یاری طلبم تا همواره در پیشگاه او و در برابر وجدان بیدار خویش و ملت سرافراز ، بر این پیمان تا ابد استوار بمانم.

نام و نام خانوادگی وامضای دانشجو

عباس ابراهیمی دلبری

تقدیم :

تقدیم به روح پاک مادرم که به من درس تلاش آموخت ،
و پدرم که در چشمه سار محبتش سیراب شدم،
و به همسر م که مونس راهم است ،
و به فرزندانم که امید های آینده من هستند.

تشکر و قدر دانی :

با سپاس و ستایش از خداوند متعال که مرا در این راه تحقیق یاری کرد.

با تشکر از اساتید ارجمندی که مرا در نگارش این کتاب یاری نمودند؛

دکتر مجیدی که با رهنمودهایشان راه را برایم روشن کردند و از پیشنهادات ارزشمندشان استفاده وافر بردم و دکتر گنجعلی که از نقطه نظراتشان بهره مند شدم و از تمامی اساتید گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت معلم سبزوار که در محضرشان علم آموختم ، نهایت تشکر و قدردانی دارم، همچنین از دوست گرانقدرم، آقای احمد یزدی که ویرایش قسمتی از رساله را بر عهده داشتند، سپاسگزاری می کنم. در اینجا بر خود لازم می دانم که از تمامی معلمان گرانقدرم در طول دوره های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان تشکر کنم و از خداوند بزرگ توفیق روز افزون و سعادت دنیا و آخرت برایشان آرزو کنم.



دانشگاه تربیت معلم سبزوار

فرم چکیده‌ی پایان‌نامه‌ی دوره‌ی تحصیلات تکمیلی

دفتر - ۰۰۰۰ - تحصیلات تکمیلی

نام خانوادگی دانشجو: ابراهیمی دلبری		نام: عباس		ش دانشجویی: ۸۸23421269
استاد راهنما: دکتر حسن مجیدی		استاد مشاور: دکتر عباس گنجعلی		
دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	رشته: زبان و ادبیات عرب	گرایش: ادبیات		
مقطع: کارشناسی	تاریخ دفاع:	تعداد صفحات:		
عنوان پایان‌نامه: شرح احوال و بررسی آثار دکتر شوقی ضیف				

چکیده

فعالیت های دکتر شوقی ضیف را می توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد: ۱- وی کتاب های مختلفی نوشت، در این زمینه حدود پنجاه اثر در زمینه های مختلف ادبیات عربی شامل پژوهش های اسلامی، نقد ادبی، بلاغت، نحو، تاریخ ادبیات، فنون ادبی و... به یادگار گذاشت و به همین خاطر به «سیوطی معاصر» ملقب گشت.

۲- وی نسخه های خطی مختلف زیادی را تصحیح کرد. ۳- مقالات زیادی در طول زندگی خود نوشت و منتشر کرد. ۴- اقدامات مختلفی در زمینه زبان شناسی برای آسان سازی نحو در فرهنگستان زبان قاهره انجام داد و باب بندی جدیدی در این علم ارائه داد.

شوقی ضیف تاریخ ادبیات را بر اساس دوره های سیاسی تقسیم کرد و بر این اساس معتقد است که تاریخ ادبیات عربی از پنج دوره عصر جاهلی، اسلامی، عباسی، دول و امارات و معاصر تشکیل می شود. وی با تعصب شدیدی که دارد به شیعه حملات بی رحمانه ای می کند و بسیاری از اعتقادات بر حق شیعه را زیر سوال می برد.

کلید واژه ها : تاریخ ادبیات معاصر، شوقی ضیف، شرح حال، آثار.

امضای استاد راهنما

فهرست موضوعات

چکیده	یک
کلیات و مقدمات	چهار
1 مقدمه	پنج
۲ بیان مسأله	پنج

۳ پرسش تحقیق.....	شش
۴ فرضیه ها.....	شش
۵ بیان روش تحقیق.....	شش
۶ پیشنهاد تحقیق.....	شش
۷ اهداف تحقیق.....	هفت
فصل اول : بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر دکتر شوقی ضیف	
۱-۱ جغرافیای طبیعی کشور مصر	۹
۱-۱-۱ نقش تعیین کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی در وضعیت مصر	۹
۲-۱ جغرافیای سیاسی	۱۰
۱-۲-۱ حیات سیاسی	۱۱
۱-۲-۲ انتقال قدرت پادشاهی به نظام جمهوری.....	۲۳
۱-۲-۳ از محمد نجیب تا عبد الناصر.....	۲۵
۱-۳ اوضاع اجتماعی، فرهنگی و آموزشی	۲۷
۱-۳-۱ سیر تحولات فرهنگی	۲۷
۱-۳-۲ تأثیر و تأثر فرهنگها.....	۲۸
۱-۳-۳ نقش مصر در تحولات اجتماعی ، فرهنگی	۲۹
۱-۳-۴ آداب و رسوم	۲۹
۱-۳-۵ سطح علمی و فرهنگی	۲۹
۱-۳-۶ رسانه های گروهی	۳۰
فصل دوم : شرح حال شخصی دکتر شوقی ضیف	
۱-۲ مرحله اول	۳۲
۲-۲ مرحله دوم	۳۹
۳-۲ مرحله سوم	۴۶
۲-۴ عوامل مؤثر در شکل گیری شخصیت علمی دکتر شوقی ضیف	۵۳

۵۴	۲-۵ دکتر شوقی در یک نگاه.....
۵۶	۲-۶ ویژگی های شخصیتی.....
۵۷	فصل سوم : زندگی نامه ادبی و علمی دکتر شوقی ضیف.....
۷۰	۳- ۱ تألیفات.....
۷۰	۳- ۱- ۱ پژوهش های اسلامی.....
۸۰	۳- ۱- ۲ پژوهش های بلاغی و نقدی.....
۹۱	۳- ۱- ۳ درباره تاریخ ادبیات و عصرهای مختلف آن.....
۱۲۰	۳- ۱- ۴ پژوهش های زبان شناسی و نحوی.....
۱۲۶	۳- ۱- ۵ درباره شرح حال نویسی و شرح حال خود نوشته.....
۱۳۰	۳- ۱- ۶ در زمینه پژوهش های ادبی (شعر و نثر).....
۱۴۶	۳- ۱- ۷ درباره فنون ادبی.....
۱۴۹	۳- ۲ تحقیق و تصحیح نسخ خطی و میراث.....
۱۵۳	۳- ۳ مقالات.....
۱۵۵	۳- ۴ اقدامات فرهنگستانی دکتر شوقی ضیف.....
۱۵۶	نتایج تحقیق.....
۱۵۷	الملخص باللغه العربیّه.....
۱۶۴	منابع و مأخذ.....
۱۶۹	فهرست اعلام.....
۱۷۲	چکیده انگلیسی.....

کلیات و مقدمات

۱. مقدمه

دکتر شوقی ضیف به سال ۱۹۱۰م در دمياط مصر به دنيا آمد و در مدارس دينی زادگاه خویش با علوم ادبی و اسلامی آشنا شد. او به سال ۱۹۳۵م از دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره در مقطع لیسانس فارغ التحصیل شد. در سال ۱۹۳۹م از پایان نامه فوق لیسانس خویش با موضوع «نقد ادبی در کتاب اغانی ابوالفرج اصفهانی» دفاع کرد و در سال ۱۹۴۲م دکتری خویش را با دفاع از پایان نامه ای با نام «الفن و مذاهبه

فی الشعر» با راهنمایی دکتر «طه حسین» دریافت کرد. او از همان سال ها به تدریس پرداخت و پس از طی مدارج دانشگاهی، در سال ۱۹۵۶م به استادی رسید. ضیف به سال ۱۹۷۶م به عضویت مجمع اللغه العربیه که کار فرهنگستان زبان عربی را انجام می دهد، انتخاب شد و از سال ۱۹۹۲م ریاست این مجمع علمی معتبر را برعهده داشت. وی در دهم مارس ۲۰۰۵م در نود و پنجمین سال از زندگانی خویش دنیا را در حالی وداع گفت که بالغ بر پنجاه اثر جدی در حوزه های مختلف از تاریخ ادبیات گرفته تا مباحث گوناگون؛ نقد ادبی، بلاغت، دستور زبان، تحقیق و تصحیح متون، فرهنگ عامه و... به نگارش درآورده بود.

در این تحقیق سعی شده که تفسیر کاملی از دکتر شوقی ضیف و آثار وی ارائه شود. برای این کار ابتدا به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمان دکتر شوقی ضیف پرداخته شده است. سپس شرح حال وی که شامل سه مرحله است، بیان شده است و با تقسیم بندی آثار وی به چهار دسته کلی، سپس تقسیم هریک از آنها به دسته جزئی تر و با بررسی آثارش تحقیق به پایان رسیده است. این تحقیق شامل کلیات و مقدمات، سه فصل، نتیجه و یک خلاصه به زبان عربی است.

۲. بیان مسأله

دکتر شوقی ضیف با توجه به تألیفات زیادی که از خود در زمینه های مختلف علوم ادبی و اسلامی به جا گذاشته است، از ادبای پرکار مصر در عصر معاصر شمرده می شود. این ویژگی وی باعث شده که به سیوطی معاصر (دانشمند معروف مصر در قرن نهم هجری) ملقب شود. پرداختنش به تمام جنبه های علوم ادبی از وی ادیبی دایره المعارفی پدید آورده است، تا جایی که می توان تقسیمات مختلفی در مورد آثار وی ارائه داد، که اگر هر کدام به طور جداگانه بررسی شود، خود می تواند یک موضوع پژوهش باشد. از آنجایی که تألیفات ارائه شده توسط وی، بسیار در محافل ادبی مورد استفاده قرار می گیرد، لازم است که به بررسی تمام جوانب زندگی وی پرداخته و این ادیب ^{پنج} هایش به جویندگان علم شناسانده شود و نقاط قوت و ضعف این آثار آشکار گردد.

۳. پرسش تحقیق

۱- سیر تکامل شخصیتی علمی دکتر شوقی ضیف چگونه بوده و عوامل مؤثر در آن کدام اند؟

۲- جایگاه علمی و ادبی شوقی ضیف در چه رتبه ای است و عناصر شکل دهنده آنها چه هستند؟

۴- فرضیه ها

خانواده، محیط آموزشی، اساتید و روزنامه می تواند در شخصیت علمی وی تأثیر گذاشته باشد. دکتر شوقی ضیف با آثار زیادی که نگاشته به جامعه علم و ادب معاصر عرب کمک شایانی کرده است و نام وی یکی از کلید واژه های پرکاربرد در زمینه مختلف ادبیات عرب به شمار می رود.

۵- بیان روش تحقیق

در این رساله با روشی توصیفی و کتابخانه ای سعی در معرفی زندگی شخصی و علمی دکتر شوقی ضیف شد. ابتدا کتب نوشته شده درباره وی جمع آوری، و با مطالعه دقیق فیش برداری گردید (هر چند که در این زمینه با مشکل کمبود منبع مواجه بودم)، سپس دسته بندی شد، در ضمن اینکه سعی بر استفاده از کتب وی بوده است. ما در این رساله به بررسی جداگانه آثار دکتر ضیف پرداختیم و سعی شد که مختصر تعریفی به جویندگان علم و ادب ارائه گردد. در این باره آثار وی را به چند دسته کلی تقسیم کردیم، ابتدا سعی شد برای هریک از این دسته ها با نگاهی تاریخی به تلاش هایی که صورت گرفته، به آنها بپردازیم و بعد به معرفی محتویات هریک از آثار اقدام شود. در پایان نتایج به دست آمده از تحقیق را بررسی کردیم.

۶- پیشینه تحقیق

وقتی به تحقیق درباره دکتر شوقی ضیف می پردازیم، می بینیم که در باره وی به سه صورت تحقیقاتی صورت گرفته است: برخی در مورد وی کتاب نوشته اند که اغلب ادبای مصر و شاگردانش به آن پرداخته اند؛ از جمله این کتاب ها می توان به کتاب «شوقی ضیف سیره و تحیه» (شوقی ضیف سرگذشت و سلامی نوشته «طه وادی»، «شوقی ضیف علی انترنت و فی دیاره بمصر المحروسه» (شوقی ضیف در اینترنت و در سرزمین کهنش) نوشته «الهجرسی»، کتاب «شوقی ضیف فی عیون صفوه من الاعلام» (شوقی از نگاه بهترین ادیبان) نوشته «سمیره شعلان» اشاره کرد شش

مقالاتی درباره وی دیده می شود مثل: مقاله دکتر آذرشب با عنوان «شوقی ضیف و تاریخ الادب العربی فی ایران» در مجله «العلوم الانسانیة» و پایان نامه هایی در مورد ضیف مثل «نقد و ترجمه کتاب الادب العربی المعاصر فی مصر» در دانشگاه تهران توسط «رضا نظری» در سال ۱۳۸۸ ه.ش و «بررسی بخشی از نظرات

ادبی شوقی ضیف در عصر معاصر « توسط «زهرا بهشتی» در دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۹ ه.ش نوشته شده است.

۷-اهداف تحقیق

آشنایی با اندیشه های ادبیاتی دکتر شوقی ضیف.

بررسی دیدگاه های نقدی دکتر شوقی ضیف.

شناخت دیدگاه های نحوی و زبان شناسی وی.

معرفی جامع دکتر شوقی ضیف به دانشجویان ادبیات عرب و هر کس که علاقمند تحقیق در این باره است.

شناساندن و بررسی آثار مختلف وی در زمینه های مختلف ادبیات عرب.

فصل اول

بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

عصر دکتر شوقی ضیف

۱-۱ جغرافیای طبیعی کشور مصر

برای پژوهش در ادبیات هر ملتی باید حوادث مهمی را که بر پدید آورندگان آن ادبیات گذشته است، باز شناسیم؛ زیرا ادب در حقیقت آینه پاک و درخشنده ای است که زندگی دارندگانش، همراه با اثراتی که از پیشامد های سراسری و شرایط ویژه خود پذیرفته اند، در آن جلوه گر می گردد. اینک چون از ادیب معاصر مصر سخن می گوئیم، ناچار باید به دنبال برگردیم و رخدادها را با هم پیوند دهیم.^۱ کشور «مصر» در شمال قاره «آفریقا» و در کنار «دریای مدیترانه» و «سرخ» قرار دارد. وسعت - مرزهای این کشور از غرب به «لیبی» و از شرق به دریاهای «مدیترانه» و «سرخ»، از شمال به «فلسطین اشغالی» و از «جنوب» به «سودان» محدود می گردد.^۲ رود «نیل» مهمترین منبع تأمین کننده آب های داخلی «مصر» است که از جنوب، یعنی کشور «سودان» وارد «مصر» می شود.

«کانال سوئز» که یکی از مهمترین کانال های ارتباطی جهان به شمار می آید، در این کشور قرار دارد. این کانال دریای «مدیترانه» را به دریای «سرخ» مرتبط می کند. حفر «کانال سوئز» از سال ۱۸۵۹ م و در زمان «سعید پاشا» پسر کوچکتر «محمد علی پاشا» آغاز شد. در هفدهم نوامبر ۱۸۶۹ «کانال سوئز» با حضور امپراطور اتریش با تشریفات خاصی افتتاح گردید. کمی بعد از افتتاح کانال، دولت «بریتانیا» ۳۳ درصد سهام شرکت کانال را خریداری کرد و آن را تحت کنترل و استیلا خود در آورد. دولت «مصر» سرانجام به علت قروض سنگین مجبور شد برای تهیه پول، سهام مصر را در کانال سوئز به مبلغ هنگفتی به فرانسه بفروشد و بدین ترتیب آن، تحت کنترل دو کشور انگلیس و فرانسه قرار گرفت. کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ میلادی به دست «جمال عبد الناصر»، رئیس جمهور وقت مصر، ملی اعلام گردید.^۳

۱-۱-۱ نقش تعیین کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی در وضعیت مصر

کانال سوئز مهمترین نقش را در طبیعت و جغرافیای مصر دارد. موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی مصر سبب شده این کشور در منطقه خاورمیانه و قاره آفریقا نقش مهمی ایفا کند. از دیگر موقعیت های مهم مصر قرار گرفتن این کشور در منتهی الیه شمال شرق آفریقا است که قاره آفریقا را به قاره آسیا وصل می نماید و در واقع پل ارتباطی بین آسیای غربی، آفریقا و مدیترانه می باشد. از دیگر مشخصه های عمده

^۱ ضیف، شوقی: الادب العربی المعاصر فی مصر، چاپ دهم، قاهره، دار المعارف، ۱۹۶۱ م، ص ۱۱.

^۲ تکیه ای، مهدی: مصر، چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۷۵ ه. ش. ص ۱.

^۳ همان، ص ۳.

مصر، رود نیل است که بر بسیاری از جنبه های زندگی مردم از جمله سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی نظام تأثیر گذاشته است.^۱

۱-۲ جغرافیای سیاسی

جمهوری عربی مصر از لحاظ وسعت، موقعیت جغرافیایی، تعداد جمعیت و پیشرفت از مهمترین کشورهای عربی می باشد. مصر از نظر تاریخی از جمله کشورهای با قدمت تاریخی است. حکومت فراعنه به حدود ۶۰ قرن قبل از میلاد باز می گردد که بعد از آن دوره، ایرانی ها، یونانی ها و اعراب بر آن کشور حکومت کرده اند. فرهنگ مصر فرهنگی اسلامی و غنی است که از زمان های قدیم دانشمندان و اندیشمندان بسیاری در معروف ترین دانشگاه مصر یعنی دانشگاه «الازهر» فعالیت داشته اند، دانشگاه در نضج و اعتلای اسلام اهتمام ورزیده و مبلغان و علمای زیادی را تربیت و به دنیای اسلام عرضه کرده است.

مصر تنها کشور عربی است که در زمینه اقتصادی در بین کشورهای آفریقایی پیشرفت چشمگیری داشته است. اکثر جمعیت مصر کشاورز می باشند که در دره دلتای «نیل» یعنی تنها مناطق قابل کشاورزی مصر زندگی می کنند. دولت، اخیراً اقدام به حفر و احداث کانال و انشعاب آب نموده، تا از صحرای لم یزرع هم بهره برداری کشاورزی شود.

از ویژگی های خاص موقعیت این کشور همجواری با کشور «سودان» است. رود «نیل» تنها منبع آب برای کشاورزی از سودان می گذرد، با کمک دو کشور مصر و سودان اقداماتی در این زمینه با پروژه های سد سازی بر روی این رود و استفاده از آب آن برای مصارف کشاورزی انجام شده است. لذا مصر و سودان در ادوار گذشته مکمل یکدیگر بوده و پیوستگی تاریخی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور به حدی است که طی یکصد سال اخیر اثرات آن به طور اجتناب ناپذیری خودنمایی می کند.

همجواری مصر با دریای «سرخ» و همسایگی با کشور لیبی، سودان، مغرب و فلسطین اشغالی و فرازهای فرهنگی و اقتصادی، حرکت های سیاسی چند دهه گذشته مصر در منطقه و پیگیری استراتژی خاص بعد از مرگ ناصر، تنش هایی را در منطقه بوجود آورده است. صلح مصر و اسرائیل و قرارداد «کمپ دیوید» توسط «انور سادات»، رئیس جمهور وقت مصر باعث گردید که مصر از جامعه عرب طرد گردد. اما بعد از بحران «خلیج فارس» و حمله «عراق» به «کویت» و موضع اتخاذ شده توسط مصر، باعث شد تا موقعیت های بازگشت مصر، به صحنه فراهم گردد و دیگر بار مصر به یکی از مهمترین مراکز تصمیم گیری

^۱تکیه ای، مهدی: مصر، ص ۱۲.

سیاسی در منطقه تبدیل شود، همانطور که اکنون مصر با انقلاب خود، پیشگام در نهضت بیداری اسلامی و چراغ راه کشورهای عربی است.

۱-۲-۱ حیات سیاسی

حقیقت این است که تجربه مصر با تمدن جدید اروپایی در برخی موارد با تجربه های دیگر کشورهای آسیایی و آفریقایی که غرب خیر و شرش را بر آنها عرضه کرد، شباهت دارد.^۱ در آغاز قرن ۱۵ میلادی و با حرکت نیرومند «محمد علی» و حمله «ناپلئون» که نشانه های زندگی جدید را به آنها نشان داد، مصر چشمانش را به زندگی جدید باز کرد و در این هنگام به توانایی ها و منابعش آگاه شد، بنابراین اساس حکومت کلی را پایه ریزی کرد که تا آن زمان تحت تسلط بیگانگان بود.

مدارس باز شد، روزنامه ها منتشر شد، گروه های دانشجویی به فرانسه اعزام شد و ممالیک و ترکها از حیات سیاسی مصر دور شدند و و ارتشی جدید که سربازانش را کشاورزان تشکیل می دادند، پا گرفت.^۲ بعد از گذشت ۱۰ سال از مرگ بنیانگذار نهضت مصر طمع ها از این کشور کم شد، اما با حفر «کانال سوئز» و افتتاح آن در ۱۷ نوامبر ۱۸۶۹ م. اهمیت استراتژیکی این کشور به دلیل اینکه راه «هند» را به مصر باز می کرد، زیاد شد، هرگز امپراطوری «انگلستان» نمی توانست این را از نظر دور دارد. بنابراین مصر محل تاخت تاز «انگلستان» و «فرانسه» گردید. در نهایت مصر در مقابل انگلستان تسلیم شد و در سال ۱۸۸۲ م. انگلستان اراضی مصر را اشغال کرد و منجر به تحت الحمایگی در دسامبر ۱۹۱۴ م. شد و به دنبال آن، به شروع جنگ جهانی اول در اگوست ۱۹۱۴ م منجر شد. این حوادث سیاسی باعث شد استقلال مصر از بین برود و تسلط غرب بر شرق واضح شود. با ندای «جمال الدین اسد آبادی» (۱۸۱۹-۱۸۹۸ م.)^۳ ملت بیدار شد و حرکتشان مشخصه دینی پیدا کرد، بنابراین کاری را که «محمد علی» شروع کرده بود، داشت به ثمر می رسید، در طول دوره «اسماعیل» بیداری مصر بیشتر شد. دخالت بیگانه در این بیداری بسیار نقش داشت و به تدریج نظام اشرافی گری قدیم ترک ها و چرکس ها از بین رفت، قدرت جنبش با حرکت ملی دو برابر شد. از آغاز قرن نوزدهم مصر پیوسته با دو مشکل روبرو بود؛ یکی قدرت مطلق پادشاه و دیگری اشغال نیروهای انگلستان و استقلال کشور.

^۱ مار شال کولومب: تطور مصر ۱۹۲۴ - ۱۹۵۰، ترجمه زهیر الشایب، بدون ناشر، بدون تاریخ ص ۳۰.

^۲ همان، ص ۳۵.

^۳ آلفاخوری، حنا: تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، چاپ سوم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۴ ه.ش.

«هنگامی که جنگ جهانی اول شروع شد مصر سیاست بی طرفی را دنبال کرد، تا اینکه انگلیس بر ضد آلمان اعلام جنگ کرد، از آنجایی که مصر در اشغال انگلیس بود، دولت مصر سیاست دیگر مستعمرات انگلستان را در پیش گرفت. رابطه اش را با «آلمان» قطع نمود و اجازه داد به نیروهای انگلستان از اراضی و بندرهای «مصر» استفاده نماید.^۱ ورود «ترکیه» و «اتریش» به جنگ به نفع «آلمان» بیشترین اثر را در وضع مصر داشت.»^۲

در ۱۸ دسامبر ۱۹۱۴م. انگلستان رسماً تحت حمایتی خود را بر مصر اعلام کرد که در «الوقایع المصریه» منتشر شد. شعله ور شدن جنگ برای مصر و مصریان تبعات زیادی به جا گذاشت :

نیروهای انگلستان تعداد زیادی از شهروندان را به دلیل تمایلات فکری شان دستگیر کردند. با تسلط انگلستان بر مصر فقر و قحطی سراسر کشور را فرا گرفت و جیره بندی مواد غذایی را به دست گرفتند.

با خاتمه یافتن جنگ جهانی اول زمان حل این دو مشکل فرا رسید (قدرت شاه و ترک نیروهای انگلستان از مصر و استقلال)، بعد از دو روز از امضای آتش بس حزب «وفد» که از طرف ملت اختیار تام داشت، تحت حمایتی را لغو کرد.^۳ «مصریان آرزو داشتند که با هزینه ای که در طول جنگ با حمایت از دول متحد کردند، متحمل شدند، به استقلال برسند، بخصوص با اعلام اینکه ملت ها حق دارند، که خود سرنوشت شان را تعیین کنند، در ژانویه ۱۹۱۸ م رئیس جمهور وقت امریکا، (ولسون) در سخنرانی ای چهارده اصل را اعلام کرد که یکی از آن اعلام حق مردم در تعیین سرنوشتشان بود.»^۴

«در خلال جنگ انگلستان کار دولت را بلوکه کرده بود در حالی که قوه مجریه و مقننه در دست دولت بود، اما این نماینده تام الاختیار انگلستان بود که حکومت می کرد.»^۵

در نوامبر ۱۹۱۸ م انگلستان و فرانسه اعلام کردند که تصمیم به آزادی ملت هایی را دارند که تحت سیطره عثمانی هستند و به آنها برای تشکیل حکومتی مستقل یاری می کنند. مجموعه این عوامل مصریان را برای رسیدن به حقیقتشان در استقلال و تعیین حکومتی که خواستار آن بودند، تشویق کرد.

^۱ الانصاری ، ناصر : المجلد فی تاریخ مصر الاداریه و السیاسیه ، چاپ اول ، قاهره ، ۱۹۹۳ م ، ص ۲۲۴ .

^۲ الجمل ، شوقی و عبدالله عبد الرزاق ابراهیم : تاریخ مصر المعاصر ، بی جا ، قاهره ، دار الثقافه للنشر و التوزیع المصریه بالقاهره ، ۱۹۹۷ م ، ص ۹ .

^۳ مارشال کولومب: تطور مصر ، ص ۳۷ .

^۴ الجمل ، شوقی: تاریخ مصر المعاصر ، ص ۱۱ .

^۵ -همان ، ص ۲۲۶ .

از اوائل ۱۹۱۸م برخی رجال سیاسی مصر گروهی را برای تحقق آرمان مصریان و حفاظت از حقوق آنها تشکیل دادند. این گروه متشکل از «حسین رشدی پاشا»، نخست وزیر، «عدلی یکن»، وزیر معارف، «سعد زغلول»، «علی شعراوی»، «محمد محمود»، «عبد العزیز فهمی»، «لطفی السید» بود. البته گروه دیگری حزب ملی را به ریاست «عمر طوسون» تشکیل دادند.

در ۸ مارس ۱۹۱۹م «سعد زغلول»، «محمد محمود»، «حمد الباسل» و «اسماعیل صدقی» به جرم منحرف کردن افکار عمومی و ایجاد اغتشاش در کشور دستگیر و به مالت تبعید شدند.^۱ اینها باعث شعله ور شدن انقلاب ۱۹۱۹ م شد.^۲

«دستگیری «سعد زغلول» به مثابه جرقه ای بود که در مصر آتش انقلاب ۱۹۱۹م را شعله ور کرد و به مجرد انتشار خبر دستگیری رهبران حزب «وفد»، دانشجویان دانشگاهها را تعطیل کردند و انقلاب در بین کارمندان، وکلا، کارگران، تجار و کشاورزان گسترش پیدا کرد، حتی زنان هم در آن شرکت داشتند، هم فکری و تضامن در بین تمامی مصری ها از مسلمانان و قبطی ها هویدا گشت و از طرفی خطباء در مساجد و کلیساها به آن پرداختند. بنابراین آتش انقلاب شعله ور گشت و اتصالات برق و تلفن قطع شد و برای جلوگیری حرکت نیروها و زره پوش های انگلیسی موانعی در خیابان ها ایجاد کردند و ایستگاه های قطار تعطیل شد.»^۳ نیروهای انگلیسی مجبور به برقراری منع آمد و شد در شب شدند، بلکه برای تعقیب و پراکنده کردن تظاهرات کنندگان از هواپیماهای جنگی استفاده کردند و سربازان انگلیسی در شهرها و روستاها مورد تجاوز قرار گرفتند.

«انگلیسی ها از خشونت استفاده کردند، در نتیجه آن تعداد زیادی از انفلابیون به شهادت رسیدند. انگلستان در اواخر ژانویه ۱۹۱۹ م مجبور شد که نماینده خود را از مصر فرا خواند و او را عوض کند و به جای او «لرد اللنبی» را که شهرت پیدا کرده بود و تجربه در جنگ را با حمله به «فلسطین»، «سوریه» و همچنین در زمان فرماندهی کردن نیروهای انگلستان کسب کرده بود، به عنوان نماینده تام الاختیار معرفی کرد. بنابراین در اواخر مارس به «قاهره» رسید و با خشونت تمام اقدام به سرکوب تظاهرات کنندگان کرد و

^۱ الجمل، شوقی: تاریخ مصر المعاصر، ص ۱۴.

^۲ الانصاری، ناصر: المجلد فی تاریخ مصر، ص ۲۲۳.

^۳ الجمل، شوقی: تاریخ مصر المعاصر، ص ۱۸.

همچنین سعی کرد که با بزرگان دولت (شیخ «الازهر»، شیخ المشایخ صوفی ها، مفتی مصر، اسقف اعظم و برخی از رجال وفد) نزدیک شود.^۱

با همه این تلاش ها دولت بریتانیا مجبور شد تا «سعد زغلول» و یارانش را آزاد کند و به آنها اجازه دهد که به پاریس بروند، اما بریتانیا اقداماتی برای بستن درهای کنفرانس بر روی آنها انجام داد. «حسین رشدی پاشا» به بازگشت به دولت قانع شد، اما این اقدامات برای بهبود اغتشاشات کافی نبود. پس انگلستان تصمیم ارسال کمیته به ریاست «ملنر» برای بررسی دلایل نا آرامی ها و پیشنهاد ایجاد نظام سیاسی مبتنی بر تحت الحمایگی «بریتانیا» که مورد نظر مصر باشد، بدهد. این کمیته در دسامبر ۱۹۱۹ م. به مصر رسید. با اعلام تشکیل این کمیته مصری ها آن را تحریم کردند و تظاهرات در سراسر مصر افزایش یافت و در پی آن نیروهای انگلیسی خشونت زیادی به خرج دادند و با تظاهرات کنندگان و مشوقین به آن شدیداً برخورد کردند.^۲ بنابراین با این وضع موجود کمیته مجبور به بازگشت شد، بدون رسیدن به نتیجه ای در خور. از طرف دیگر «سعد» و یارانش مدت زیادی را در پاریس بدون رسیدن به موفقیتی سپری کردند. هم پیمانان انگلیس مصوبات معاهده صلح مشتمل بر به رسمیت شناختن تحت الحمایگی مصر توسط انگلستان را اعلام کردند. بنا بر پیشنهاد «عدلی پاشا» مبنی بر دعوت «وفد» از پاریس به لندن برای گفتگو در باره آینده کشور و اعلام «عدلی» به کمیته که «وفد»، نماینده مصر است، «وفد» دعوت «لندن» را پذیرفت.^۳

«نظر «سعد» و یارانش در حزب «وفد» در «لندن» درباره این توافق نامه این بود که آن مزایایی برای مصر دارد، اما همه آرمانها و خواسته های مصری ها را در بر ندارد. آنرا نه رد کردند و نه پذیرفتند، بلکه تصمیم گرفتند که آنرا بر مردم عرضه کنند و گروه های مختلف ملی در باره آن بحث کنند، در این میان «حزب ملی» آن را نپذیرفت.^۴ بنابراین طرف مصری خواستار تعدیلاتی در آن شد که مورد قبول طرف انگلیسی قرار نگرفت، گفتگوها متوقف شد و حزب «وفد» به «پاریس» برگشت، بازگشت «وفد» باعث شکاف در حزب شد. بعد از بازگشت «وفد» به «پاریس» دولت انگلستان تصمیم گرفت که گفتگوها را درباره مصر با کمک سلطان «فؤاد» بر اساس پیشنهادات کمیته «ملنر» دوباره شروع کند.

^۱ مارشال کولومب: تطور مصر، ص ۱۹.

^۲ همان، ص ۲۵.

^۳ الجمل، شوقی: تاریخ مصر المعاصر، صص- ۲۲، ۲۰، با تصرف.

^۴ مارشال کولومب: تطور مصر، ص ۲۱.